

زیبایی‌شناسی در نگاه علامه جعفری: تحلیل ابجکتیویسم و سوبجکتیویسم در مفهوم زیبایی

سید محمد حسین نواب^۱

دوفصلنامه علمی مطالعات نظری هنر

سال سوم | شماره ۴ | بهار و تابستان ۱۴۰۲

شاپا: ۵۰۳۴ - ۲۸۲۱ | ص: ۵۷ - ۷۵

این مقاله به بررسی نگاه علامه محمدتقی جعفری در خصوص طبیعت زیبایی و رابطه آن با مفاهیم ابجکتیو و سوبجکتیو می‌پردازد. یکی از چالش‌های بنیادین در فلسفه زیبایی‌شناسی، این پرسش است که آیا زیبایی ویژگی‌ای ابجکتیو و مستقل از تجربه فردی است، یا امری سوبجکتیو و وابسته به ادراک و احساسات شخصی؟ علامه جعفری، فیلسوف اسلامی معاصر، با تأکید بر تلفیق عقل و احساس، زیبایی را به عنوان پدیده‌ای نه تنها ذهنی، بلکه ارتباطی با کمال و حقیقت می‌بیند. مقاله حاضر ضمن تحلیل آثار و نظرات ایشان، با مقایسه این دیدگاه با نظریات غربی همچون کانت، تلاش دارد تا جایگاه زیبایی‌شناسی در فلسفه اسلامی را در چارچوب مفاهیم ابجکتیو و سوبجکتیو بررسی کند. در این تحقیق نشان داده می‌شود که برای علامه جعفری، زیبایی ترکیبی از ابعاد ذهنی و عینی است که نه تنها در حیطه تجربیات فردی، بلکه در ارتباط با حقیقت مطلق نیز قابل درک است. این مقاله درصدد روشن‌سازی تفاوت‌های اساسی در نگاه‌های ابجکتیو و سوبجکتیو زیبایی و ارتباط آن با اصول فلسفی اسلامی است.

واژگان کلیدی: زیبایی‌شناسی، محمدتقی جعفری، ادراک شخصی، کانت، تجربیات فردی.

۱. استادیار گروه فلسفه و حکمت هنر، دانشکده مطالعات عالی هنر، مؤسسه آموزش عالی هنر و اندیشه اسلامی، قم، ایران؛

dr.navvab@itaihe.ac.ir



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در نگاه علامه محمدتقی جعفری، زیبایی دارای هر دو جنبه عینی (ابجکتیو) و ذهنی (سوبجکتیو) است. او معتقد بود که زیبایی نه تنها یک تجربه ذهنی و فردی است، بلکه دارای بنیادهای عینی و واقعی در جهان هستی می باشد. به عبارت دیگر، زیبایی انعکاسی از نظم و کمال الهی در جهان است که به طور عینی وجود دارد.

علامه جعفری بر این باور بود که ادراک زیبایی توسط انسان ها ممکن است متفاوت باشد و این به دلیل عوامل فرهنگی، تربیتی و شخصی است. اما این تفاوت ها در ادراک، به معنای نسبی بودن کامل زیبایی نیست. او تأکید می کرد که زیبایی های عینی و مطلق در جهان وجود دارند که فارغ از برداشت های فردی، قابل تشخیص هستند.

بنابراین، در دیدگاه علامه جعفری، زیبایی ترکیبی از عناصر عینی و ذهنی است؛ به طوری که اصل زیبایی در جهان به صورت عینی وجود دارد، اما درک و تجربه آن می تواند به صورت ذهنی و فردی متفاوت باشد.

نظر علامه محمدتقی جعفری و ایمانوئل کانت در مورد زیبایی دارای تفاوت ها و شباهت هایی است که می توان آن ها را به شرح زیر بیان کرد:

❁ ۱. جنبه عینی و ذهنی زیبایی:

علامه جعفری: او معتقد است که زیبایی دارای دو جنبه عینی (ابجکتیو) و ذهنی

(سوبجکتیو) است. زیبایی به عنوان انعکاسی از نظم و کمال الهی در جهان، به صورت عینی وجود دارد. اما ادراک و تجربه آن توسط انسان‌ها ممکن است به دلیل تفاوت‌های فردی و فرهنگی متفاوت باشد.

کانت: کانت زیبایی را به عنوان یک قضاوت سوبجکتیو می‌داند که بر اساس احساس لذت بی غرضانه شکل می‌گیرد. او بر این باور است که اگرچه قضاوت زیبایی سوبجکتیو است، اما ادعای اعتبار عمومی دارد؛ یعنی افراد انتظار دارند دیگران نیز با قضاوت زیبایی آن‌ها موافق باشند.

❁ ۲. نقش عقل و احساس در ادراک زیبایی:

علامه جعفری: او بر اهمیت عقل و شناخت در درک زیبایی تأکید می‌کند. از نظر او، شناخت عمیق‌تر از جهان و کمال الهی به درک بهتر زیبایی کمک می‌کند.

کانت: کانت معتقد است که قضاوت زیبایی بدون دخالت مفاهیم و صرفاً بر اساس احساس شکل می‌گیرد. او می‌گوید که زیبایی به واسطه «بازی آزادانه قوای شناختی» (تخیل و فهم) درک می‌شود، بدون اینکه مفهوم خاصی در آن دخیل باشد.

❁ ۳. هدف و غایت در هنر و زیبایی:

علامه جعفری: او هنر و زیبایی را وسیله‌ای برای تقرب به خداوند و دستیابی به کمال انسانی می‌داند. هنر باید دارای پیام و هدف متعالی باشد و به رشد معنوی انسان کمک کند.

کانت: کانت مفهوم «غایت‌مندی بدون غایت» را معرفی می‌کند، به این معنا که آثار هنری زیبا به نظر می‌رسند که هدفی دارند، اما در واقع هدف خاصی را دنبال نمی‌کنند. او هنر را خودمختار و مستقل از اهداف اخلاقی یا عملی می‌داند.

❁ ۴. منبع و منشأ زیبایی:

علامه جعفری: منبع زیبایی را در نظم و کمال الهی می‌بیند که در جهان تجلی



یافته است. زیبایی‌های عینی و مطلق وجود دارند که مستقل از ادراک فردی هستند.

کانت: منبع زیبایی را در تجربه حسی و احساس لذت بی‌غرضانه می‌داند. زیبایی وابسته به تجربه سوبجکتیو فرد است، هرچند که انتظار می‌رود این تجربه برای همگان معتبر باشد.

✽ خلاصه:

تفاوت اصلی: علامه جعفری بر وجود زیبایی‌های عینی و ارتباط آن‌ها با کمال الهی تأکید می‌کند و هنر را وسیله‌ای برای رشد معنوی می‌داند. در مقابل، کانت زیبایی را قضاوتی سوبجکتیو با ادعای اعتبار عمومی می‌داند و هنر را خودمختار و بدون هدف اخلاقی یا دینی معرفی می‌کند.

شباهت: هر دو متفکر به جنبه‌های عینی و ذهنی درک زیبایی اشاره دارند و قبول دارند که ادراک زیبایی می‌تواند بین افراد مشترک باشد.

✽ دیدگاه علامه محمدتقی جعفری درباره زیبایی:

۱. زیبایی به عنوان واقعیتی عینی (Objective):

منشأ الهی زیبایی: علامه جعفری معتقد است که زیبایی در جهان یک واقعیت عینی است که از نظم، کمال و حکمت الهی سرچشمه می‌گیرد. او بر این باور است که خداوند جهان را با نظم و هماهنگی خاصی آفریده است و این نظم الهی در طبیعت، هنر، اخلاق و حتی در ساختارهای اجتماعی قابل مشاهده است.

وجود زیبایی‌های مطلق: به نظر او، برخی از زیبایی‌ها به صورت مطلق و مستقل از ذهن انسان وجود دارند. این زیبایی‌ها ناشی از صفات ثابت و ابدی خداوند هستند و در جهان به عنوان نشانه‌هایی از کمال الهی تجلی می‌یابند.

۲. ادراک ذهنی زیبایی (Subjective):

نقش انسان در درک زیبایی: در حالی که زیبایی به صورت عینی در جهان وجود دارد، ادراک آن توسط انسان‌ها امری ذهنی است. یعنی هر فرد بر اساس تجربه‌ها، تربیت، فرهنگ و پیش‌زمینه‌های فکری خود، زیبایی را به صورت خاصی درک می‌کند. تفاوت در ادراک زیبایی: به دلیل تفاوت‌های فردی و فرهنگی، افراد ممکن است در قضاوت‌های زیبایی‌شناختی خود اختلاف نظر داشته باشند. اما این اختلافات به معنای نسبی بودن کامل زیبایی نیست، بلکه نشان‌دهنده تنوع در ادراک انسانی است.

۳. تعامل بین عین و ذهن:

هماهنگی بین واقعیت و ادراک: علامه جعفری بر این باور است که ادراک زیبایی نتیجه تعامل بین زیبایی عینی موجود در جهان و توانایی ذهنی و روحی انسان در درک آن است. انسان با تقویت عقل، احساسات و معنویت خود می‌تواند به درک عمیق‌تری از زیبایی‌های عینی دست یابد. رشد معنوی و شناخت زیبایی: او تأکید می‌کند که برای درک کامل زیبایی‌های الهی، انسان باید در مسیر رشد معنوی و اخلاقی قدم بردارد. این رشد به او امکان می‌دهد تا زیبایی‌های عمیق‌تر و والاتر را تجربه کند.

❁ دیدگاه ایمانوئل کانت درباره زیبایی:

۱. زیبایی به عنوان قضاوتی سوبجکتیو (Subjective):

قضاوت زیبایی‌شناختی: کانت معتقد است که زیبایی یک قضاوت سوبجکتیو است که بر اساس احساس لذت بی‌غرضانه شکل می‌گیرد. این احساس زمانی به وجود می‌آید که ما بدون هیچ‌گونه علاقه شخصی یا نفع مادی، از مشاهده یک شیء یا پدیده لذت ببریم. عدم وابستگی به مفاهیم: قضاوت زیبایی‌شناختی در دیدگاه کانت بدون دخالت



مفاهیم، اهداف یا مقاصد خاصی است. یعنی ما بدون اینکه به کارکرد، مفهوم یا هدف شیء فکر کنیم، از آن لذت می‌بریم.

۲. ادعای اعتبار عمومی قضاوت زیبایی:

سوبجکتیویته عمومی: اگرچه قضاوت زیبایی بر اساس احساس فردی شکل می‌گیرد، کانت معتقد است که این قضاوت ادعای اعتبار عمومی دارد. یعنی وقتی چیزی را زیبا می‌دانیم، انتظار داریم دیگران نیز با ما موافق باشند. ساختار مشترک ذهنی: دلیل این ادعای اعتبار عمومی این است که همه انسان‌ها دارای ساختار ذهنی و قوای شناختی مشابهی هستند. بنابراین، تجربه زیبایی می‌تواند بین افراد مشترک باشد.

✽ تفاوت‌های کلیدی بین دیدگاه علامه جعفری و کانت:

۱. منشأ وجود عینی زیبایی:

علامه جعفری: زیبایی به صورت عینی در جهان وجود دارد و منعکس‌کننده کمال و نظم الهی است. این زیبایی‌ها مستقل از ادراک فردی هستند و به عنوان واقعیت‌هایی مطلق در جهان حضور دارند.

کانت: زیبایی به عنوان یک قضاوت سوبجکتیو تعریف می‌شود که وابسته به احساس فردی است. زیبایی در ذهن فرد شکل می‌گیرد و نه به عنوان یک ویژگی عینی در شیء.

۲. نقش الهی و معنوی در زیبایی:

علامه جعفری: زیبایی وسیله‌ای برای تقرب به خداوند و درک صفات الهی است. او بر ارتباط بین زیبایی، اخلاق و معنویت تأکید می‌کند.

کانت: در تحلیل زیبایی شناختی کانت، مفاهیم الهی یا معنوی مستقیماً دخیل

نیستند. او بیشتر بر ساختار ذهنی انسان و نحوه تجربه زیبایی تمرکز دارد.

۳. هدفمندی در قضاوت زیبایی:

علامه جعفری: زیبایی و هنر باید دارای هدف و پیام والایی باشند و به رشد معنوی و اخلاقی انسان کمک کنند.

کانت: قضاوت زیبایی بر اساس «غایت‌مندی بدون غایت» است؛ یعنی ما احساس می‌کنیم شیء دارای هدفی است، اما این هدف مشخص نیست و زیبایی را بدون در نظر گرفتن هرگونه هدف عملی یا اخلاقی درک می‌کنیم

❁ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

در دیدگاه علامه جعفری:

- زیبایی یک واقعیت عینی است که از نظم و کمال الهی سرچشمه می‌گیرد.
- ادراک زیبایی توسط انسان‌ها امری ذهنی است و ممکن است متفاوت باشد، اما این تفاوت‌ها به معنای نسبی بودن زیبایی نیست.
- هنر و زیبایی باید به رشد معنوی و اخلاقی انسان کمک کنند و وسیله‌ای برای شناخت خداوند باشند.

در دیدگاه کانت:

- زیبایی یک قضاوت سوبجکتیو است که بر اساس احساس لذت بی‌غرضانه شکل می‌گیرد.
- اگرچه این قضاوت فردی است، اما انتظار می‌رود دیگران نیز با آن موافق باشند به دلیل ساختار مشترک ذهنی.
- زیبایی بدون در نظر گرفتن مفاهیم، اهداف یا منافع شخصی درک می‌شود و به عنوان «غایت‌مندی بدون غایت» توصیف می‌شود.



تفاوت اساسی:

- علامه جعفری بر وجود زیبایی های عینی و ارتباط آن ها با کمال الهی تأکید دارد و زیبایی را وسیله ای برای رشد معنوی می داند.
- کانت زیبایی را نتیجه تجربه ذهنی و احساس فردی می داند که اگرچه سوبجکتیو است، اما دارای ادعای اعتبار عمومی است

❁ نتیجه گیری نهایی:

تفاوت اصلی بین دیدگاه های علامه جعفری و کانت در مورد جنبه عینی و ذهنی زیبایی در این است که علامه جعفری زیبایی را هم عینی و هم ذهنی می داند، با تأکید بر منشأ الهی و هدف معنوی آن. در مقابل، کانت زیبایی را قضاوتی سوبجکتیو می داند که بر اساس احساس فردی شکل می گیرد، اما به دلیل ساختار مشترک ذهنی، انتظار می رود که این قضاوت برای دیگران نیز معتبر باشد. این تفاوت ها نشان دهنده رویکردهای فلسفی متفاوت آن ها نسبت به مفاهیم زیبایی، هنر و ادراک انسانی است. بالاخره کانت هم تا حدی به عینیت قائل بود. یعنی فاعل شناسا اگر روبروی زباله قرار بگیرد زباله را زیبا نمی بیند. شما به نکته مهمی اشاره کرده اید. در واقع، کانت با معرفی مفهوم «عمومیت سوبجکتیو» در قضاوت های زیبایی شناختی، به نوعی به جنبه هایی از عینیت در زیبایی اشاره می کند. بیایید این موضوع را با جزئیات بیشتری بررسی کنیم

❁ جنبه های عینی و ذهنی زیبایی در دیدگاه کانت:

۱. قضاوت زیبایی شناختی و احساس لذت بی غرضانه:

سوبجکتیویته قضاوت زیبایی: کانت معتقد است که قضاوت زیبایی شناختی بر اساس احساس لذت بی غرضانه شکل می گیرد. این احساس درونی است و به علایق شخصی یا نیازهای عملی وابسته نیست.

۲. عمومیت سوبجکتیو (Subjective Universality):

انتظار توافق عمومی: هرچند قضاوت زیبایی شناختی سوبجکتیو است، اما کانت بر این باور است که این قضاوت ادعای اعتبار عمومی دارد. یعنی وقتی چیزی را زیبا می دانیم، انتظار داریم دیگران نیز با ما موافق باشند. ساختار مشترک ذهنی: دلیل این انتظار، وجود ساختارهای شناختی و حسی مشترک در بین همه انسان ها است. بنابراین، احساس زیبایی می تواند به صورت عمومی درک شود.

۳. نقش ویژگی های عینی در تحریک احساس زیبایی:

ویژگی های عینی در اشیاء: برخی ویژگی های عینی مانند نظم، هماهنگی، تناسب و تعادل می توانند احساس زیبایی را در ما برانگیزند. این ویژگی ها در شیء یا پدیده وجود دارند و می توانند تأثیر مشابهی بر افراد مختلف داشته باشند. مثال زیاله: همان طور که اشاره کردید، زیاله ها معمولاً فاقد این ویژگی های عینی هستند و بنابراین، احساس زیبایی را در ما برنمی انگیزند. این نشان می دهد که ویژگی های عینی می توانند در قضاوت زیبایی شناختی ما نقش داشته باشند.

۴. غایت مندی بدون غایت (Purposiveness without Purpose):

احساس غایت مندی: کانت معتقد است که ما در مواجهه با یک شیء زیبا، احساس می کنیم که آن شیء به گونه ای طراحی شده است که به ما لذت بی غرضانه بدهد، بدون اینکه هدف مشخصی در آن وجود داشته باشد. نقش فرم و ساختار: این احساس ناشی از فرم، ساختار و ویژگی های عینی شیء است که به طور هماهنگ و متناسب تنظیم شده اند.



❁ تفاوت‌ها و شباهت‌ها با دیدگاه علامه جعفری:

۱. منشأ زیبایی:

کانت: زیبایی ناشی از احساس سوبجکتیو لذت بی‌غرضانه است که توسط ویژگی‌های عینی شیء تحریک می‌شود.
علامه جعفری: زیبایی یک واقعیت عینی و مستقل از ذهن انسان است که از کمال و نظم الهی سرچشمه می‌گیرد.

۲. نقش ویژگی‌های عینی:

هر دو متفکر: قبول دارند که ویژگی‌های عینی می‌توانند در ادراک زیبایی نقش داشته باشند.
تفاوت: کانت این ویژگی‌ها را به عنوان محرک‌های احساس زیبایی در ذهن می‌داند، در حالی که علامه جعفری آن‌ها را تجلیات عینی زیبایی الهی می‌بیند.

۳. عمومیت قضاوت زیبایی:

کانت: قضاوت زیبایی شناختی، اگرچه سوبجکتیو است، اما ادعای اعتبار عمومی دارد به دلیل ساختار مشترک ذهنی انسان‌ها.
علامه جعفری: زیبایی‌های عینی و مطلق وجود دارند که مستقل از ادراک فردی هستند و می‌توانند توسط همه انسان‌ها شناخته شوند

❁ جمع‌بندی

شما درست می‌گویید که کانت به نوعی به جنبه‌های عینی در زیبایی قائل است، زیرا ویژگی‌های عینی در اشیاء می‌توانند احساس زیبایی را در ما برانگیزند و انتظار داریم دیگران نیز با این احساس مشترک باشند. با این حال، در نظریه کانت، زیبایی در نهایت به احساس سوبجکتیو ما بستگی دارد که توسط ویژگی‌های عینی تحریک می‌شود.

❁ نتیجه‌گیری:

کانت: قضاوت زیبایی‌شناختی ترکیبی از احساس سوبجکتیو و انتظار عمومیت است، با تأکید بر اینکه ویژگی‌های عینی می‌توانند این احساس را تحریک کنند. **علامه جعفری:** زیبایی یک واقعیت عینی و الهی است که مستقل از ذهن انسان وجود دارد، اما ادراک آن می‌تواند به دلیل تفاوت‌های فردی و فرهنگی متفاوت باشد. بنابراین، در حالی که هر دو متفکر به نقش ویژگی‌های عینی در ادراک زیبایی اشاره می‌کنند، تفاوت اصلی در منشأ و ماهیت زیبایی است. کانت زیبایی را نتیجه احساس سوبجکتیو می‌داند که با ویژگی‌های عینی تحریک می‌شود، در حالی که علامه جعفری زیبایی را واقعیتی عینی و مستقل از ذهن انسان می‌بیند. به نظر من همه هم به عینیت قائل هستند و هم به ذهنیت مهم این است که اصالت را به کدام می‌دهند.

شما نکته بسیار مهمی را مطرح کردید. در واقع، هم علامه جعفری و هم ایمانوئل کانت به جنبه‌های عینی و ذهنی زیبایی اذعان دارند، اما تفاوت اساسی در این است که کدام جنبه را اصالت می‌بخشند و بر آن تأکید می‌کنند. اجازه دهید این موضوع را با جزئیات بیشتری بررسی کنیم

اصالت دهی به عینیت یا ذهنیت در دیدگاه علامه جعفری و کانت:

❁ ۱. علامه محمدتقی جعفری: اصالت به عینیت

تأکید بر عینیت زیبایی:

منشأ الهی زیبایی: علامه جعفری بر این باور است که زیبایی یک واقعیت عینی و مستقل از ذهن انسان است که از کمال، نظم و حکمت الهی سرچشمه می‌گیرد. **زیبایی‌های مطلق:** او معتقد است که زیبایی‌های مطلق و عینی در جهان وجود دارند که تجلیات صفات الهی هستند و این زیبایی‌ها مستقل از ادراک فردی و فرهنگی انسان‌ها می‌باشند.



نقش ذهنیت در ادراک زیبایی:

ادراک انسانی: اگرچه زیبایی به صورت عینی وجود دارد، اما ادراک و تجربه آن توسط انسان‌ها ممکن است به دلیل تفاوت‌های فردی، فرهنگی و تربیتی متفاوت باشد. رشد معنوی و شناخت: برای درک عمیق‌تر زیبایی‌های عینی، انسان باید در مسیر رشد معنوی و شناختی قدم بردارد.

❁ ۲. ایمانوئل کانت: اصالت به ذهنیت

تأکید بر ذهنیت زیبایی:

قضاوت سوبجکتیو زیبایی: کانت زیبایی را به عنوان یک قضاوت سوبجکتیو معرفی می‌کند که بر اساس احساس لذت بی غرضانه شکل می‌گیرد. نقش احساس فردی: زیبایی در تجربه حسی و احساس فردی شکل می‌گیرد و وابسته به ساختار ذهنی انسان است.

نقش عینیت در تحریک احساس زیبایی:

ویژگی‌های عینی محرک: ویژگی‌های عینی مانند نظم، تناسب و هماهنگی در اشیاء می‌توانند احساس زیبایی را در ما برانگیزند، اما این ویژگی‌ها خود زیبایی نیستند، بلکه محرک‌های احساس زیبایی در ذهن ما هستند. عدم وابستگی به مفاهیم یا اهداف: قضاوت زیبایی شناختی بدون دخالت مفاهیم، اهداف یا منافع شخصی شکل می‌گیرد.

❁ تأکید بر اولویت دهی به عینیت یا ذهنیت:

۱. علامه جعفری:

اصالت عینیت: علامه جعفری اصالت را به عینیت زیبایی می‌دهد. از نظر او، زیبایی‌های عینی و مطلق وجود دارند که مستقل از ذهن و تجربه فردی انسان‌ها هستند.

نقش ذهنیت در شناخت عینیت: ذهن و ادراک انسان ابزارهایی برای شناخت و درک زیبایی‌های عینی هستند. بنابراین، ذهنیت در خدمت کشف عینیت قرار می‌گیرد.

۲. کانت:

اصالت ذهنیت: کانت اصالت را به ذهنیت می‌دهد. او معتقد است که زیبایی نتیجه تعامل قوای شناختی (تخیل و فهم) در ذهن ما است و قضاوت زیبایی شناختی یک تجربه سوبجکتیو است.

نقش ویژگی‌های عینی به عنوان محرک: اگرچه ویژگی‌های عینی می‌توانند احساس زیبایی را در ما تحریک کنند، اما زیبایی در نهایت در ذهن ما شکل می‌گیرد و وابسته به تجربه فردی است

مثال برای توضیح بیشتر:

زباله به عنوان مثال:

از دید علامه جعفری:

عدم زیبایی عینی در زباله: زباله فاقد زیبایی عینی است، زیرا با نظم و کمال الهی هماهنگ نیست.

ادراک مشترک: بیشتر انسان‌ها به دلیل وجود زیبایی‌های عینی و مطلق، زباله را زیبا نمی‌بینند.

از دید کانت:

عدم تحریک احساس زیبایی: زباله فاقد ویژگی‌های عینی مانند نظم و تناسب است که می‌تواند احساس زیبایی را در ذهن ما برانگیزد.

قضاوت سوبجکتیو مشترک: به دلیل ساختار مشترک ذهنی، اکثر افراد زباله را زیبا نمی‌بینند، اما این قضاوت همچنان سوبجکتیو است



نتیجه‌گیری:

شما به درستی اشاره کردید که هر دو متفکر به جنبه‌های عینی و ذهنی زیبایی اذعان دارند، اما تفاوت اصلی در این است که کدام جنبه را اصالت می‌دهند:

علامه جعفری: اصالت را به عینیت زیبایی می‌دهد و معتقد است که زیبایی‌های عینی و مطلق وجود دارند که مستقل از ذهن انسان هستند. ذهنیت انسان در خدمت شناخت و درک این زیبایی‌های عینی است.

کانت: اصالت را به ذهنیت می‌دهد و زیبایی را نتیجه تجربه سوبجکتیو و احساس فردی می‌داند، هرچند که ویژگی‌های عینی می‌توانند این احساس را تحریک کنند.

بنابراین، هر دو متفکر به نوعی به تعامل بین عین و ذهن در ادراک زیبایی معتقدند، اما تفاوت در این است که کدام را به عنوان منشأ اصلی زیبایی در نظر می‌گیرند. شما با بیان این نکته که «مهم این است که اصالت را به کدام می‌دهند» به تفاوت اساسی بین دیدگاه‌های آن‌ها اشاره کرده‌اید

پیشنهاد برای مطالعه بیشتر:

برای درک عمیق‌تر این موضوع، می‌توانید به منابع زیر مراجعه کنید:

- آثار علامه جعفری:
- کتاب «هنر و زیبایی از دیدگاه اسلام»
- مجموعه «تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی»
- آثار ایمانوئل کانت:
- «نقد قوه حکم» (Critique of Judgment)، به ویژه بخش مربوط به زیبایی‌شناسی

تفاوت دیدگاه علامه جعفری با این سینا در این مساله چیست

❁ دیدگاه علامه محمدتقی جعفری درباره زیبایی:

۱. جنبه‌های عینی و ذهنی زیبایی:

عینیت زیبایی: علامه جعفری معتقد است که زیبایی دارای وجودی عینی است که

از نظم، کمال و حکمت الهی سرچشمه می‌گیرد. زیبایی در جهان به عنوان انعکاسی از صفات الهی تجلی می‌یابد.

ذهنیت در ادراک زیبایی: ادراک زیبایی توسط انسان‌ها امری ذهنی است که ممکن است به دلیل تفاوت‌های فردی، فرهنگی و تربیتی متفاوت باشد. اما این تفاوت‌ها به معنای نسبی بودن کامل زیبایی نیست؛ زیرا زیبایی‌های عینی و مطلق وجود دارند که می‌توان آن‌ها را شناخت.

۲. تعامل بین عینیت و ذهنیت:

رشد معنوی برای درک زیبایی: علامه جعفری تأکید می‌کند که انسان با تقویت عقل و رشد معنوی خود می‌تواند به درک عمیق‌تری از زیبایی‌های عینی دست یابد. زیبایی به عنوان وسیله‌ای برای تقرب به خداوند: هنر و زیبایی باید به رشد معنوی و اخلاقی انسان کمک کنند و او را به سوی کمال الهی سوق دهند.

❁ دیدگاه ابن سینا (ابوعلی سینا) درباره زیبایی:

۱. زیبایی به عنوان ویژگی عینی وجود:

زیبایی و کمال وجود: ابن سینا زیبایی را با کمال وجود مرتبط می‌داند. او معتقد است که هر چه موجودی کامل‌تر باشد، زیباتر است. زیبایی نتیجه تحقق کامل ماهیت و صفات یک موجود است.

عینیت زیبایی: در دیدگاه ابن سینا، زیبایی یک ویژگی عینی است که در خود اشیاء و موجودات وجود دارد و ناشی از نظم، تناسب و هماهنگی اجزاء آن‌هاست.

❁ ۲. نقش عقل در ادراک زیبایی:

ادراک عقلی زیبایی: ابن سینا بر این باور است که زیبایی نه تنها توسط حواس، بلکه توسط عقل قابل درک است. عقل انسان می‌تواند زیبایی‌های فراتر از محسوسات را نیز درک کند.



زیبایی معنوی و فلسفی: او به زیبایی‌های معنوی و فلسفی توجه دارد، مانند زیبایی مفاهیم، ایده‌ها و حقایق عقلی

❁ تفاوت‌های کلیدی بین دیدگاه علامه جعفری و ابن سینا:

۱. تأکید بر نقش ذهنیت و ادراک فردی:

علامه جعفری: او به نقش ذهنیت و تفاوت‌های فردی در ادراک زیبایی توجه دارد. به نظر او، انسان‌ها به دلیل پیش‌زمینه‌های فرهنگی و تربیتی ممکن است زیبایی را به صورت متفاوتی درک کنند. این امر نشان‌دهنده اهمیت تجربه فردی و ذهنی در ادراک زیبایی است.

ابن سینا: در دیدگاه ابن سینا، تأکید بیشتری بر عینیت زیبایی و نقش عقل در ادراک آن وجود دارد. او به تفاوت‌های فردی و ذهنی کمتر می‌پردازد و بیشتر بر ادراک عقلی و عمومی زیبایی تأکید می‌کند.

۲. هدف و غایت در هنر و زیبایی:

علامه جعفری: هنر و زیبایی باید دارای هدف و پیام والایی باشند و به رشد معنوی و اخلاقی انسان کمک کنند. او زیبایی را وسیله‌ای برای تقرب به خداوند می‌داند. ابن سینا: او به جنبه‌های فلسفی و متافیزیکی زیبایی توجه دارد و زیبایی را در ارتباط با کمال وجود و حقیقت می‌بیند. اما به طور مشخص به نقش هنر در رشد معنوی یا تقرب به خداوند اشاره نمی‌کند.

۳. نقش احساسات در ادراک زیبایی:

علامه جعفری: او به ترکیب عقل و احساس در ادراک زیبایی معتقد است و بر اهمیت تجربه زیبایی‌شناختی فردی تأکید می‌کند.

ابن سینا: ابن سینا بر نقش عقل در ادراک زیبایی تأکید دارد و احساسات را به عنوان

ابزار اولیه ادراک زیبایی می پذیرد، اما نهایتاً عقل را برای درک زیبایی های برتر ضروری می داند

❁ شباهت های دیدگاه ها:

۱. عینیت زیبایی:

هر دو متفکر معتقدند که زیبایی دارای جنبه های عینی است و از نظم، کمال و هماهنگی در جهان ناشی می شود.

۲. ارتباط زیبایی با کمال و حقیقت:

هر دو زیبایی را مرتبط با کمال وجود و حقیقت می دانند و بر نقش آن در شناخت واقعیت های عمیق تر تأکید دارند

❁ جمع بندی:

تفاوت اصلی بین دیدگاه علامه جعفری و ابن سینا در میزان تأکید آن ها بر نقش ذهنیت، احساسات و تفاوت های فردی در ادراک زیبایی است. علامه جعفری: بر تعامل بین عینیت و ذهنیت زیبایی تأکید می کند و نقش احساسات، تجربه فردی و تفاوت های فرهنگی را در ادراک زیبایی مورد توجه قرار می دهد. او همچنین به نقش هنر در رشد معنوی و تقرب به خداوند اهمیت می دهد. ابن سینا: بیشتر بر عینیت زیبایی و نقش عقل در ادراک آن تأکید دارد. او زیبایی را به عنوان ویژگی ذاتی موجودات می بیند که با کمال وجود آن ها مرتبط است و بر ادراک عقلی زیبایی های متافیزیکی تمرکز دارد. بنابراین، تفاوت دیدگاه آن ها در میزان توجه به ذهنیت و تجربه فردی در ادراک زیبایی و همچنین نقش احساسات در این فرآیند است.



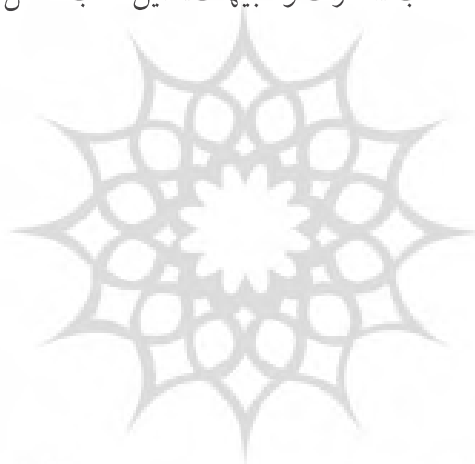
پیشنهاد برای مطالعه بیشتر:

آثار علامه جعفری:

- کتاب «هنر و زیبایی از دیدگاه اسلام»: در این کتاب، علامه جعفری به تحلیل مفاهیم زیبایی و هنر از منظر فلسفی و اسلامی می پردازد.
- مجموعه «تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی»: ایشان در این اثر به بررسی عمیق مفاهیم عرفانی و فلسفی مرتبط با زیبایی می پردازد.

آثار ابن سینا:

- کتاب «شفا» (بخش های مربوط به فلسفه و متافیزیک): در این اثر، ابن سینا به مباحث وجود، کمال و زیبایی می پردازد.
- کتاب «اشارات و تنبیهات»: این کتاب شامل مباحثی در مورد عقل، ادراک و



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی